



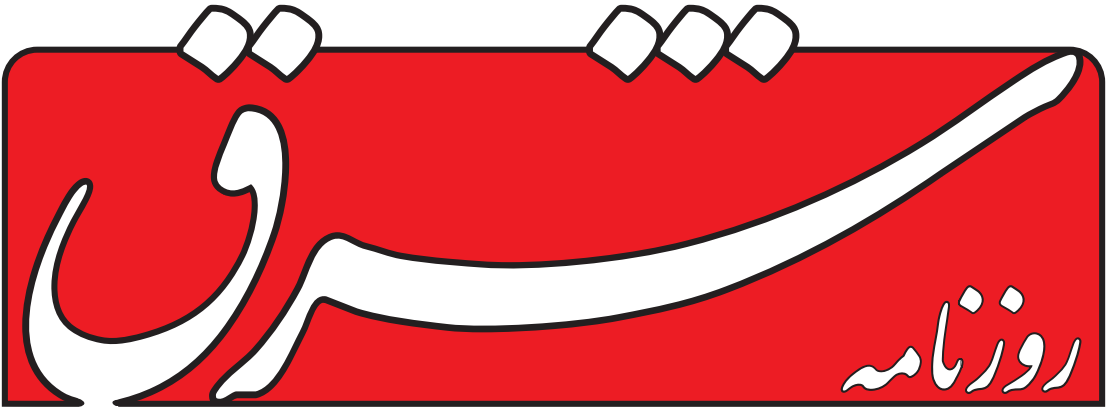
رئیس قوه قضائیه:

در پرونده سقوط هواپیمای اوکراینی خط قرمزی نداریم

کروه سیاست: رئیس قوه قضائیه گفت: برای بررسی، پیگیری و رسیدگی پرونده حادثه سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی هیچ خط قرمزی نداریم و آنچه مورد تأکید است، کشف حقیقت و دادرسی عادلانه است که آن را از وظایف خود می‌دانیم...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۹ • ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ • ۱۲ ژانویه ۲۰۲۱



هیئت کراهی با عراقچی دیدار کرد

سفر بی حاصل مقام کراهی به تهران

کروه دیپلماسی: دست‌کم به این زودی‌ها نه منتظر بازپرداخت بدهی‌های کره جنوبی به ایران باید باشیم و نه احتمالاً آزادشدن کشتی کراهی که در ایران توقیف شده است. گفته‌های معاون سیاسی وزیر خارجه ایران...

صفحه ۴

سال هجدهم • شماره ۳۹۱۴ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

چهره متفاوت آمریکا در روزهای پایانی ترامپ

جاوید قربان اوغلی • دیپلمات بازنشسته



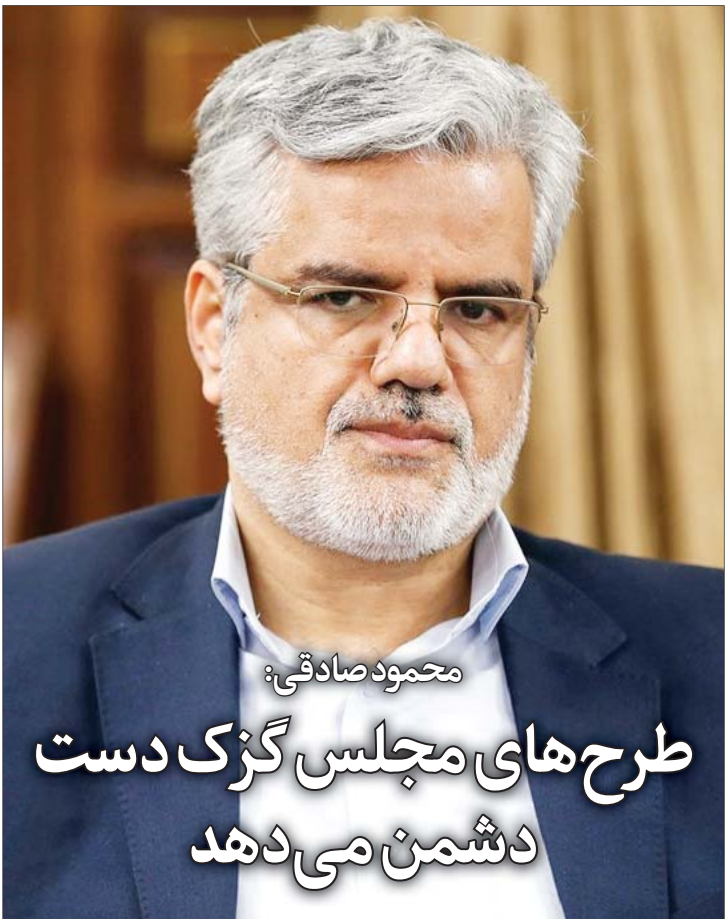
با پایان یافتن ماراتن انتخابات و قطعی شدن پیروزی جو بایدن، آمریکا رخدادهایی را شاهد بود که در تاریخ دوست و چند ساله این کشور به‌عنوان مهد آزادی و بزرگ‌ترین دموکراسی جهان بی‌سابقه است. طرفداران ترامپ با فراخوان او از مناطق مختلف این کشور پهناور به واشنگتن‌دی‌سی سرازیر شدند و در اقدامی عجیب که بیشتر به شورش و کودتا شبیه بود، برای ساعتی ساختمان کنگره را به اشغال خود درآوردند. این رویداد بازتاب وسیعی در جهان داشت و به خبر اول همه رسانه‌های بین‌المللی تبدیل شد. فرمان شورش و تحولات منتهی به اشغال ساختمان کنگره، از همان روز سوم نوامبر و بلکه قبل از آن از سوی ترامپ کلید خورد. او حتی قبل از آغاز رای‌گیری نیز خود را پیروز انتخابات اعلام کرده و حاضر به ترک قدرت نبود. برخی جناح‌های داخل در استقبال از حوادث داخلی آمریکا شادمانی زائدالوصفی از خود بروز دادند و آن را طلیعه سقوط و فروپاشی بزرگ‌ترین لیبرال‌دموکراسی جهان ارزیابی کردند. ترامپ از همان آغازین روزهای ورود به کاخ سفید نشان داد که هیچ سختی با سنت‌ها و نهادهای دموکراتیک حاکم بر این کشور ندارد. فرمان‌های بی‌دری او در مسائل داخلی، مهاجران، تعهدات و معاهدات بین‌المللی، عزل و نصب‌های خلق‌الساعه مقامات کلیدی و تصمیم‌های شتاب‌زده و بدون پشتوانه مشورتی عظیم‌ترین بوروکراسی جهان، جلگی نشان‌دهنده حضور شخصیتی ناهنجار و خودشیفته در رأس بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی - نظامی جهان بود. چهار سال قبل نیز ترامپ خود را بر حزب جمهوری‌خواه تحمیل و این حزب را مجبور کرد از او حمایت کند؛ ولی کیش شخصیت و خودشیفتگی او را در مقابل حزب قرار داد تا جایی که حتی معاون او نیز با رفتارهای غیردموکراتیک و غیرقانونی او همراهی نکرد و به تقبیح وی زبان گشود. روشن است این‌گونه رفتارهای هنجارشکنانه و غیرقانونی از سوی هیچ مقامی و فارغ از نوع حکومت‌ها پذیرفته نیست. با وجود این، کسانی که حوادث اخیر را نشانه و حجتی برای زوال و فروپاشی نظام آمریکا ارزیابی می‌کنند، چه پاسخی به مدیریت هوشمندانه «بحران ترامپ» از سوی نهادهای آمریکا در سه ماه آخر بعد از انتخابات که از سوم نوامبر (روز انتخابات) شروع و تا حوادث منتهی به اشغال کنگره ادامه یافت دارند؟ ترامپ هرچه توانست کرد، دستور نافرمانی و شورش، آخرین سلاح او بود. قبل از آن از تمام اختیارات خود که بر اساس قانون اساسی بسیار وسیع است، استفاده کرد، ولی نتیجه‌ای جز رسوایی برایش نداشت. دموکراسی قدرتمند و نهاده‌شده این کشور از آن چنان استحکامی برخوردار است که از یک سوانح رفتار را حتی برای چند روز باقی‌مانده از ریاست ترامپ برنمی‌تابد و روند استیضاح یا برکناری او با استفاده از ظرفیت قانون اساسی در حال پیگیری است و از سوی دیگر حتی قاضی منصوب رئیس‌جمهور در مقابل اصرار بر تقلب و درخواست لغو انتخابات به مر قانون عمل کرد.

ادامه در صفحه ۴

کجای دنیا مدیر دولتی ۵۲ میلیون حقوق می‌گیرد، کارگر ۲ میلیون و ۸۰۰؟

اختلاف ۴۹ میلیونی حقوق این دو نفر

صفحه ۵



عکس:ها، وحید کدخدایی، آن

محمود صادقی:

طرح‌های مجلس گزک دست دشمن می‌دهد

صفحه ۲



بررسی آخرین تحرکات انتخاباتی اصلاح‌طلبان

سید حسن خمینی می‌تواند نامزد اجماعی باشد؟

صفحه ۳

یادداشت

الزامات اجرای سند تحول قوه قضائیه

می‌رسد برای اولین بار در کشور جمهوری اسلامی، سازمانی برای تحول ارکان تحت نظر خود ضمن تبیین برنامه‌ها و تشریح مسیری که می‌خواهد در آینده ببیماید، با ترکیب زمان‌بندی مشخص خود را مکتف به نیل آن می‌داند. قدردانی کرد. بر خود فرض می‌دانم با استبذان از قاعده امریه‌معروف بخش‌هایی از آن را به نقادی بگذارم تا شاید و قوانین بین‌المللی، داخلی و سیاست‌های کلی نظام و تلفیق آن با مبانی اسلامی و فقهی است، در تحقق آن موفقیت شایانی به دست آورد. نگارنده مطلع نیست آیا در تنظیم سند مزبور از سازمان‌ها یا افرادی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با قوه قضائیه و ارکان آن ارتباط دارند، نظرخواهی شده است یا خیر؟ و آیا مشکلاتی که مردم در مواجهه با ارکان این سازمان با آنها برخورد می‌کنند، دیده و در چنین سندی لحاظ کرده‌اند یا خیر؟ و آیا برای تحقق همه‌جانبه سند که مستلزم همکاری با نهادهای خارج از ارکان سازمان قضائی است، پیش‌بینی‌هایی شده است یا خیر؟

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آینده سیاسی اصلاحات، ضرورت بازگشت به گذشته یا هجرت به آینده

همچنان حضوری ظاهری دارند؛ اما دیگر انرژی گرانثی در آنها نیست که به اذهانی در حول خود موقعیت سوژگی ببخشند. نام‌های بزرگ یا دال‌های اساسی، مواد خام و مصالح گفتمان‌ها هستند. در درون گفتمان‌ها، با گزینش برخی دال‌ها و کنارگذاشتن برخی دیگر، مفهوم‌سازی یا ارجاع این دال‌ها به برخی مدلول‌ها و مرزبندی یا دیگر مدلول‌های ممکن و مفصل‌بندی سازوار آنها با یکدیگر پیگرهای بر-ساخته می‌شود که در فضای بین‌ذهنی سوزده‌ها، معنای جهان‌های واقعی شکل می‌یابند. بی‌اعتباری دال‌های اساسی، نشانی از بی‌اعتباری گفتمان‌هاست و چه‌بسا این گفتمان‌های اعتبارزدا باشند که هر دال متعالی را بی‌ارزش می‌کنند و این وضعیتی است که می‌توان آن را انسداد معنای سیاسی-اجتماعی نامید. در انسداد معنای سیاسی-اجتماعی، کنش سیاسی با به کل تعطیل شده یا به عصبان‌های کور و غریزی فروکاسته می‌شود؛ نوعی اتومی که نه در فردگرایی خودخواهانه، بلکه در نامکنی معنایابی فرد ریشه دارد. در این میان گفتمان‌های درون و بیرون ساختار سیاسی ایران امروز کمابیش به یک اندازه دچار انسداد هستند. در داخل، اصولگرایی و اصلاح‌طلبی به وترین‌های بزرگ و پرنوری شیب‌اند که عابرن خسته و دلمُرده، دست در جیب، غرق در افکار خود، بی‌اعتنا از کنارشان می‌گذرند و دیگر حتی امیدی ندارند که چشمی بچرخاند تا شاید کالای مورد نیازشان را در آن بیابند؛ چون بنا بر تجربه دریافته‌اند که آن فروشگاه‌ها عملاً نه به خرید آنها وابسته‌اند و نه کالای‌شان را بنا بر سلاقی و نیازهای آنها ارائه می‌دهند. این وضعیت خاص و خطرناکی است؛ وضعیتی که در آن گفتمان‌ها نه فقط «بی‌اعتبار» بلکه «اعتبارزدا» شده و مهم‌ترین دال‌ها یا همان نام‌های بزرگی که باید بنیان‌های زیست اجتماعی بر آن استوار باشند، نه فقط مسدود، بلکه «اشباع‌شده» هستند و دیگر به هیچ کار نمی‌آیند. به عبارت صریح‌تر، گفتمان‌ها که کارکرد معمول‌شان معنابخشی و هویت‌سازی است، عملاً عاملی برای تهی‌سازی معانی و هویت‌زدایی شده‌اند. گفتمان اصولگرایی بی‌نیاز از تبدیل‌کردن جامعه به سوزده‌های خود و هدایت اذهان، از پیش بر ابدان مسلط است و دسترسی منابع را برای کارگزاران خود تضمین کرده است. مهارت‌های

ادامه در صفحه ۸



غلامرضا حداد
عضو هیئت علمی دانشگاه

محمدرضا تاجیک، تئورسین برجسته اصلاحات، به‌تازگی در یادداشتی می‌نویسد که فقط یک انقلاب می‌تواند اصلاحات را نجات دهد. او در بیانی استعاری با الهام از ژنرک، دریدا و هایدگر، مخاطرات پیش‌روی اصلاحات را از جنس «به سوی مرگ بودن» معرفی می‌کند. با ارجاع به دلوز، گاتاری و اکامین، تلویحا به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن سیاست اصلاحات، به‌تدریج از سیاست مقاومت به سیاست قدرت متمایل شده و اصلاح‌طلب از سوزده‌ای انقلابی به کارگزاری دغدغه‌مند دسترسی به منابع ساختاری یا کالایی بی‌ضرر بدل شده است. او با رجوع به مفهوم «تکرار تفاوت» از ژیل دلوز، تنها راه مصون‌ماندن از چالش‌ها و هجمه‌های پیش‌روی اصلاحات را در یک «اصلاحات رادیکال» یا به تعبیری دیگر «انقلابی در اصلاح‌طلبی» می‌داند و این تنها از مسیر بازگشت به نقطه صفر و طی‌کردن مسیری دیگر مسیر است. او معتقد است اصلاح‌طلبی باید به آن «تکنه‌های خلاق» یا بازگرد که رخدادهای اصلاحات را موجد و موجب شده است». از نظر او، نوزایش اصلاح‌طلبی با اندیشیدن به نالندیشه‌های اصلاحات است که امکان می‌یابد و با بازگشت به تکنه‌های خلاق و شهامت تولید و تکرار تفاوت است که زنده مانده یا امکان گشت نظری و عملی می‌یابد تا شاید از «به سوی مرگ بودن» که در آینده انتظارش را می‌کشد، امان یابد. او هوشمندانه و در بیانی مرکب از استعاره و تئوری در ضرورت‌هایی سخن می‌گوید که حیات اصلاحات در گرو توجه به آن است. من در ادامه از ضرورت «تکرار تفاوت» با اصلاحات، نه در درون آن و از ضرورت گسست از اصلاحات نه بازگشت به تکنه‌های خلاق آن خواهم گفت. ساخت معنایی و هویتی ایران امروز با فقدان گفتمان‌های معنا ساز و هویت‌بخش روبه‌روست. فقدان گفتمان‌های معنا ساز و هویت‌بخش به معنای فقدان ظاهری دال‌های اساسی نیست؛ بلکه به معنای بی‌اعتباری آنها در عین وجودشان است. دال‌های اساسی مانند عدالت، استقلال، آزادی و مردم‌سالاری و مواردی از این دست

ضمیمه رایگان امروز روزنامه شرق

ویژه شرق و شمال شرق
استان تهران
از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

روزنامه «شرق» در راستای تداوم زنجیره فعالیت‌های فرهنگی و انتشاراتی خود در نظر دارد در سال جاری سررسید جامع ۱۴۰۰ را با نام «سررسید قرن» منتشر کند. سررسید «قرن» مجموعه‌ای محتوامحور از تمامی رویدادهای مناسبی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، هنری و اجتماعی خواهد بود که مشابه آن در هیچ سرسیدی وجود نخواهد داشت. تیم تولید محتوای «شرق» با چند ماه کار پژوهشی، مجموعه‌ای از مناسب‌های ملی- تاریخی- بین‌المللی را با تفکیک مناسب‌های شمسی/میلادی/قمری تدارک دیده‌اند که مجموعه این کار پژوهشی در سررسید قرن به همراه تصاویر چهره‌ها منتشر خواهد شد. همچنین در سررسید ۱۴۰۰ به بهانه پایان قرن شمسی و ورود به قرن تازه، مجموعه‌ای از صد عکس-رویداد مهم قرن به همراه شرح آن منتشر خواهد شد که به نظر می‌رسد این مجموعه برای روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و مدیران واجد ارزش کاربردی-آرشیوی باشد. اطلاعات مراکز فرهنگی شامل سینماها، تئاترها، گالری‌ها و... در تهران و شهرستان‌ها نیز در این سررسید در دسترس خواهد بود.



شرق
روزنامه

قابل توجه هنرمندان
نویسندگان، روزنامه‌نگاران
مدیران و مخاطبان فرهیخته
روزنامه شرق

درج آگهی و اسپانسرینگ
۸۶۰۳۶۱۱۹

سفارش و پیش‌خريد
۸۸۹۰۳۵۴۸